

# بررسی انتقادی نظریه اقتصاد فرزندآوری گری بکر با رویکرد اسلامی

جواد ارباب<sup>۱</sup> | سید رضا حسینی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دکتری اقتصاد اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: [javadarbab@rihu.ac.ir](mailto:javadarbab@rihu.ac.ir)

۲. دانشیار، گروه اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: [srhoseini@rihu.ac.ir](mailto:srhoseini@rihu.ac.ir)

## چکیده

با ورود دانش نوپای اقتصاد به حوزه خانواده و ایجاد زیرشاخه‌ای با عنوان اقتصاد خانواده، ظهور و نفوذ اقتصاد متعارف در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در نهاد خانواده نمود بیشتری پیدا کرد؛ امری که ساختار جمعیتی جوامع بشری را تحت‌تأثیر عوامل اقتصادی قرار می‌دهد. یکی از شخصیت‌های مطرح که در دهه‌های اخیر در این حوزه به نظریه‌پردازی پرداخته است، دکتر گری بکر است که برخی وی را سردمدار تدوین دانش معاصر اقتصاد خانواده می‌دانند. اهمیت حیاتی مسئله فرزندآوری و نیز نفوذ اندیشه‌های بکر در برخی محافل علمی موجب شد تا پژوهش حاضر به بررسی اندیشه‌ها و نظریات وی در حوزه فرزندپروری اختصاص یابد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوی، برخی از آرا و اندیشه‌های وی در حوزه فرزندپروری به صورت تطبیقی با آموزه‌های اسلامی نقد و بررسی می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تلاش بکر برای توضیح رفتار افراد در قبال خانواده، به‌ویژه در زمینه فرزندپروری، در کنار ارائه نوآوری‌ها و بیان برخی نتایج تجربی قابل تأیید در جغرافیای خاص ناموفق بوده است. نظریات وی با پیش‌فرض‌های نظام سرمایه‌داری، توانایی توضیح رفتارهای اجتماعی در همه جوامع را ندارد و دارای نقایص فراوانی است. افراط در وزن‌دهی به متغیر اقتصاد در رفتار اجتماعی انسان‌ها، مجهول بودن ماهیت متغیر آموزش در تحلیل‌ها، جواب‌گو نبودن نظریات در برخی از جوامع، در کنار فاصله اندیشه‌های وی با بینش اسلامی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که در این زمینه شناسایی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد خانواده، اقتصاد اسلامی، فرزندپروری، گری بکر، سودمحوری.

نحوه نگرش به خانواده و مسائل اقتصادی مرتبط با آن یکی از موضوعاتی است که از دغدغه‌های همیشگی بشری به شمار می‌رود. هرچند برخی از نحل‌ها مانند فمینیسم، مادی‌گرایان و... اهداف خود را به نحوی ترسیم کرده‌اند که منتج به محدودکردن ازدیاد نسل و یا تعریف فرایند فرزندآوری در چارچوب سود و زیان می‌شود، اما گرایش فطری انسان‌ها به ازدیاد نسل بشر، از زمان خلقت خدای سبحان، به‌عنوان یکی از دغدغه‌های غالب جوامع مطرح بوده است؛ باین حال یکی از چالش‌های مطرح، عوامل انگیزشی افول و یا ازدیاد تمایل انسان‌ها نسبت به فرزندآوری است. این شناخت حداقل از دو جنبه حائز اهمیت است؛ از یک سو این بحث لازمه برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی محسوب می‌شود و از سوی دیگر نگاه هزینه‌ای و یا درآمدی به تشکیل خانواده و به‌تبع آن فرزندآوری، در دهه‌های اخیر بیش از گذشته نمود داشته و مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار گرفته است.

به‌علاوه از آنجایی که مطلوبیت مقوله «فرزندآوری» صرفاً در فوائد و اهداف اقتصادی نمی‌گنجد، نباید از سایر جوانب مؤثر برای تقاضای فرزند چشم‌پوشی کرد. در جوامع بشری، غالب افراد، فارغ از اینکه امکان پرورش فرزند را داشته و یا نداشته‌اند، دیدگاه خاصی نسبت به فرایند فرزندآوری و انگیزه‌های مرتبط با آن دارند. در برخی جوامع، غلبه فضای اجتماعی به نحوی است که یکی از عوامل اجتماعی - فرهنگی، اعتقادی، جسمانی و هویت شناختی و اقتصادی حرف اول و آخر را در فرایند فرزندآوری می‌زند. در یک پژوهش به تفکیک انگیزشی این چهار حوزه پرداخته شده است (قافله‌باشی و موسوی، ۱۳۹۲) که در نمودار (الف) قابل مشاهده است:



نمودار الف - عوامل مؤثر بر تصمیم‌سازی در فرزندآوری (قافله‌باشی، موسوی: ۱۳۹۲)

اینکه چه عاملی بر سایر عوامل غلبه دارد، نیازمند مطالعه میدانی در جامعه هدف است؛ اما نتیجه مطالعه هر چه باشد، نمی‌تواند تمایل فطری بشر را نسبت به ازدیاد نسل و مباحث وابسته به آن نفی کند؛ در نگرش اقتصادی محض، مسائل اقتصادی فرزندآوری

از اصول راهبردی محسوب و سایر خواسته‌ها و امیال بشری در صورتی معنی‌دار به شمار می‌آیند که از نظر هزینه - فایده توجیه‌پذیر باشد؛ در یک مطالعه که باهدف بررسی تمایلات فرزندآوری عوامل تعیین‌کننده زنان همسردار در شهر همدان صورت گرفته است از ۲۷۳ زن واجد شرایط بررسی که به صورت تصادفی انتخاب شدند، ۷۰/۷ درصد زنان تمایل ندارند علاوه بر فرزندان که در زمان بررسی داشته‌اند فرزند دیگری داشته باشند؛ در این میان، ۵۵ و ۸۴/۳ درصد زنان به ترتیب دارای یک و دو فرزند بودند که بر پایه این بررسی، ۷۸/۴ درصد، شمار مطلوب فرزند برای خانواده‌ها را دو فرزند عنوان کرده و مهم‌ترین دلایل ترجیح الگوی دو فرزندی را به ترتیب مشکلات اقتصادی و مشکل خانواده‌ها در تربیت و آموزش فرزندان بیان کرده‌اند (حسینی و بگی، ۱۳۹۳). «گری بکر» از جمله اقتصاددانانی است که به طور پیش‌گام در زمینه رفتار باروری خانواده‌ها (۱۹۶۰) نظریاتی را مطرح و کم‌وکیف مسائل باروری را با محوریت اقتصادی مطرح ساخته است. نظریاتی که هرچند مورد استقبال گسترده برخی از اندیشمندان قرار گرفته و منجر به گسترش مطالعات اقتصادی در حوزه روابط اجتماعی شده است، اما بادقت در این اندیشه‌ها نمی‌توان تناقض آشکار ریشه‌های این نظریات را با مبانی اسلامی نادیده انگاشت.

مطالعه حاضر به بررسی تطبیق و یا عدم تطبیق نظریات مطرح شده توسط وی در حوزه فرزندپروری با مبانی اسلامی اختصاص دارد؛ تفاوت‌های بینشی که جریان فرزندآوری را در مسیر خود آستن تحولات متنوعی چون افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ موالید، افزایش طلاق و خشونت‌های خانگی، افزایش تعداد مهدهای کودک، خانه‌های سالمندان و به طور خلاصه تغییر ساختار و ماهیت خانواده و کارکردهای آن قرار داده است.

### پیشینه پژوهش

مهربانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای الگوها و مکاتب اقتصاد باروری با به‌کارگیری داده‌های ایران» به بررسی سه دیدگاه «الگوی لیبنشتاین»، «مکتب شیکاگو - کلمبیا» و «مکتب پنسیلوانیا» می‌پردازد. وی از بکر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان اقتصاد باروری یاد و اندیشه‌های وی را در قالب مکتب شیکاگو - کلمبیا طبقه‌بندی می‌کند. روند باروری از سوی بکر تقاضامحور تحلیل که باتوجه به تقاضای موجود در جامعه و توجیه‌پذیری اقتصادی آن تحلیل می‌شود. در این مقاله ضمن ارائه برخی از آرای بکر در حوزه فرزندآوری، تحلیلی مقایسه‌ای با دو مکتب مذکور دیگر ارائه شده است.

هکمن<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) از شاگردان بکر طی مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی علمی اقتصادی گری بکر»، تلاش کرده تا روش و سیره وی را در برخورد با مسائل نشان دهد و تحلیلی بر روش کاربردی وی در آثار علمی بکر ارائه کند.

مطالعات انتقادی زیادی در خصوص آثار بکر در حوزه اندیشه‌های وی در حوزه فرزندآوری صورت نگرفته است؛ اما برخی از آثار فوق در صدد معرفی و تحلیل اندیشه‌های وی به‌عنوان یکی از اقتصاددانان مطرح بوده‌اند. بااین حال نوشتاری انتقادی برای بررسی اندیشه‌های بکر در حوزه اقتصاد خانواده که به تطبیق آن با مبانی اسلامی بپردازد مشاهده نشد.

## ۱. چارچوب نظری

### ۱-۱. مفهوم اقتصاد خانواده

شاید بتوان شکل‌گیری مفهوم اقتصاد خانواده را یکی از مصادیق توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای دانست که در حوزه اقتصادی - اجتماعی مطرح شده است؛ بیان‌های متنوعی برای مفهوم اقتصاد خانواده وجود دارد؛ امروزه اقتصاد خانواده در سه معنای عمده بکار می‌رود:

الف) اقتصاد خانواده به‌عنوان یک حرکت اجتماعی و شیوه علمی برای اداره امور خانواده که به تدریج با رویکردی آموزشی گسترش یافته است و هدف آن استفاده از اطلاعات و روش‌های علمی در اداره زندگی روزمره افراد است.

ب) اقتصاد خانواده که با نگاه به کسب و کارهای خانگی که اعضای خانواده کارکنان آن محسوب می‌شوند و خانواده را به‌مثابه یک واحد اقتصادی تولیدی و یا خدماتی بررسی و تحلیل می‌کند.

ج) اقتصاد خانواده به معنای بررسی رفتارهای افراد خانواده تحت تئوری‌ها و نظریات اقتصادی (در قالب تئوری بازار) در مواجهه با شرایط، تحولات، نیازها، انگیزه‌ها و ... است که برخی از نظریه‌پردازان مانند بکر تلاش کرده‌اند بدین وسیله رفتارهای اجتماعی افراد را تحلیل و توجیه کنند و بتوانند در قالبی مشخص بیان کنند (جلالی، ۱۳۹۴).

هر چند بکر در صدد است تا رویکرد اقتصادی را به مسائل انسانی و اموری که به‌ظاهر اقتصادی نیستند تعمیم و تصمیم زوجین به فرزندآوری را به‌عنوان یک رفتار انسانی را امری با غلبه صبغه اقتصادی نمایان و آن را با روش اقتصادی آن را تحلیل کند؛ اما آنچه در این مطالعه نسبت به مفهوم اقتصاد خانواده مدنظر است نحوه تخصیص امکانات داخلی نهاد خانواده نسبت به تأمین نیازهای خود و جامعه برای بهبود کیفی و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی است. خانواده به‌عنوان کانونی مقدس برای تولید و پرورش انسان، از جایگاه ویژه‌ای در ساختار اجتماعی - اقتصادی برخوردار بوده و ازاین‌رو مقوله اقتصاد فرزندآوری از جایگاه ویژه‌ای در موضوعات اقتصاد خانواده برخوردار خواهد بود؛ بنابراین مفهوم «سرمایه‌گذاری معنوی در فرزندآوری» در چارچوب اندیشه اسلامی، به معنای نگاه به فرزندآوری و تربیت فرزند به‌عنوان یک فعالیت عبادی، انسانی و اخلاقی است که آثار ماندگار معنوی و اخروی خاص خود را دارد. این نگرش، فراتر از تحلیل‌های مادی و اقتصادی صرف و محسوب کردن فرزند به‌عنوان بخشی از «سرمایه انسانی» با بازدهی دنیوی بوده و بر اهداف الهی، مسئولیت‌های شرعی، و کسب رضایت خداوند تأکید می‌کند.

## ۱-۲. مفهوم اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی به نظامی اطلاق می‌شود که بر پایه اصول شریعت اسلام، شامل قرآن، سنت و سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، اجماع و عقل استوار شده و هدف آن تحقق عدالت اجتماعی، توازن اقتصادی و رفاه مادی و معنوی در چارچوب ارزش‌های اسلامی است (صدر، ۱۹۸۲؛ نجفی، ۲۰۰۵). اقتصاد اسلامی نه تنها به دنبال تنظیم رفتارهای اقتصادی در چارچوب شریعت است، بلکه می‌کوشد با ترکیب عقلانیت بشری و وحی الهی، الگویی کارآمد برای حل چالش‌های مدرن اقتصادی ارائه دهد (میرمعزی، ۱۳۹۵).

## ۱-۳. معرفی بکر

گری استنلی بکر (1930-2015)<sup>2</sup> یکی از خلاق‌ترین و برجسته‌ترین اقتصاددانان اواخر قرن بیستم در حوزه تحلیل مشکلات اجتماعی مانند اقتصاد جرایم و مجازات، اعتیاد و خانواده شناخته می‌شود. وی در رساله دکتری خود با عنوان «اقتصاد تبعیض» مدل رقابتی بازار نیروی کار را با توجه به تفاوت دستمزد کارگران سفیدپوست و سیاه‌پوست ارائه و در اوایل دهه ۱۹۶۰ بحث‌های خود را در مورد سرمایه انسانی آغاز نمود. او با تکیه بر جنبه اقتصادی ارزش فرصت‌ها بیان کرد که هر چه درآمد و هزینه بازار افزایش پیدا کند، مخارج یک خانم متأهل برای ماندن در خانه به دلیل امکان اشتغال در خارج از خانه افزایش خواهد داشت. وی در دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های خود را پیرامون اختصاص زمان به افراد خانواده گسترش داد. تلاش برای بررسی تصمیمات والدین در مورد تولد و آموزش فرزندان، ازدواج و طلاق بر اساس نگاه اقتصادی از عمده فعالیت‌های وی به شمار می‌رود که وی را در سال ۱۹۹۲ میلادی به‌خاطر «توسیع دامنه تجزیه و تحلیل اقتصاد خرد به گستره وسیع رفتارهای انسانی تعاملات فراتر از رفتار بازار» به جایزه نوبل رساند (قنادان، ۱۳۹۱، ص. ۲۳۲-۲۳۷)؛ وی در سال ۱۹۸۱ کتابی با عنوان رساله‌ای در مورد خانواده منتشر و تلاش کرد تحلیل رفتاری خانواده را بر محور اصول اقتصادی عمدتاً مبتنی بر مکتب شیکاگو در آن ارائه کند. در ادامه اهم نظرات وی در این حوزه بیان می‌شود؛

## ۲. آرای گری بکر در حوزه اقتصاد فرزندآوری

### خانواده به‌عنوان یک واحد تصمیم‌ساز

اقتصاد خانواده یکی از حوزه‌هایی است که بکر به تبع کاربرد تحلیل‌ها و ابزارهای اقتصادی بازار محور در موضوعات غیربازاری در اواسط دهه ۱۹۵۰ بدان پرداخت (دادگر، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۹)؛ نظریه جدید اقتصاد خانواده وی، بر نقش تولیدی خانوار تأکید و از خانوار به‌عنوان یک کارخانه کوچک نام می‌برد. مطابق با این نظریه، کالاها و خدمات بازاری تنها در صورتی می‌توانند منجر به ایجاد مطلوبیت شوند که با زمان فراغت مصرف‌کنندگان ترکیب و فرصت استفاده از آنها وجود داشته باشد؛ هم‌زمان با این نظریه،

«نظریه تخصیص زمان» و «نظریه انتخاب مناسب نیازها» را ارائه کرد که در مقابل تجمیع صرف رفتار افراد و تعمیم آن به خانوار در اقتصاد متعارف بود.

از نظر او تجمیع رفتار افراد برای رسیدن به نتیجه نهایی کافی نیست؛ زیرا در یک خانوار، ممکن است اعضا ترجیحات مشترکی داشته باشند و یا اینکه یک عضو به عنوان تصمیم گیرنده نهایی باشد و یا اعضای خانوار برای رسیدن به یک راه حل مشترک با هم تصمیم گیری کنند. از این رو به خانوار باید به عنوان یک واحد تصمیم گیرنده توجه داشت و نمی توان صرفاً رفتار افراد را تجمیع کرد. نظریه جدید اقتصاد خانواده، موضوعات دیگری مانند الگوهای ازدواج، ارتقای سطح سرمایه انسانی، تخصیص منابع خانوار به انواع هزینه‌ها، طلاق، ازدواج مجدد و... را در قالب الگوهای تحلیلی و ریاضی مورد بررسی قرار داده است که کیفیت و کمیت فرزندآوری نیز یکی از این موارد مهم است (طایی و فرجی، ۱۳۷۹).

## جامعیت رویکرد اقتصادی

یکی از اصول غالبی که بکر تقریباً در تمامی رویکردها و نگرش‌ها بدان پایبند است و تلاش می کند جهان اطراف خود را با آن توضیح دهد، محوریت نگاه اقتصادی به مسائل است؛ از نظر وی این رویکرد آن چنان جامع و گویا است که برای تمام رفتارهای انسانی اعم از بازاری و غیربازاری، با غایت فیزیکی و عاطفی، قابل استفاده و توجیه کننده است. (Becker, 1962) این نگرش را در حوزه اقتصاد خانواده می توان در تحلیل‌ها و نظریات وی نسبت به تمامی اتفاقات مرسوم در یک خانواده در مراحل انتخاب همسر، ازدواج، فرزندآوری... مشاهده کرد.

## تئوری ازدواج

بکر در مقاله‌ای تحت عنوان «تئوری ازدواج» (۱۹۷۳-۱۹۷۴) فضای موجود جامعه برای ازدواج را تحت قوانین حاکم بر بازار تلقی می کند؛ وی فرض را بر این قرار می دهد که افراد تا حد ممکن به نحوی عمل می کنند که «بازار ازدواج» در تعادل باقی می ماند و مرد و زن نسبت به فواید ازدواج و مجرد مزیت سنجی کرده و در صورت سودآور بودن آن اقدام به ازدواج می کنند و اگر احساس کنند که مطلوبیت ناشی از مجرد بیشتر از تأهل است، از این کار سر باز می زنند. وی بیان می کند که در کنار شاخص های اقتصادی مانند سطح دستمزد، میزان درآمد و... در دو حالت قبل و بعد از ازدواج، برخی ویژگی های شخصیتی و نیز توانایی های موجود (مواردی مانند میزان سواد، هنر، توانایی جسمی و...) در گزینه مورد بررسی برای ازدواج مطرح اند که ممکن است به کمی توانایی ها این پیام را به طرفین یا تصمیم گیر نهایی القا کند که گزینه مورد نظر از سطح درآمدی وی خواهد کاست چرا که به عنوان مثال از توانایی پخت غذا برخوردار نبوده و این هزینه زندگی را بالا می برد که اثر منفی بر فرایند شکل گیری ازدواج خواهد داشت.

وی با قبول وجود عوامل غیرمادی مانند عوامل عاطفی در فرایند ازدواج در نهایت این مسئله را مطرح می کند که تحلیل وی از آنچه بازار ازدواج می نامد، بر اساس آن چیزی است که در طبیعت این بازار وجود دارد. وی معتقد است تحلیل ارائه شده در مورد طلاق،

ازدواج مجدد و... نیز از کارایی برخوردار است. (Becker, 1973, pp. 814-822). از دیدگاه او افراد در میان گزینه‌های موجود به‌عنوان همسر، یک فرد را در راستای حداکثر شدن مطلوبیتشان انتخاب می‌کنند (این حداکثر شدن مطلوبیت در دیدگاه بکر با مصرف کالاهای خانگی تولید شده قابل اندازه‌گیری است). رواج ازدواج در طول تاریخ و در تمام جوامع، برای بکر به آن معنا است که کارگر مؤنث و مذکر در انواع خاصی از تولیدات خانگی، به‌ویژه در تربیت بچه‌های خانواده، نیروی کار مکمل هستند. هر فرد در صورتی ازدواج می‌کند که منافع انتظاری ازدواج، از هزینه‌های انتظاری آن (هزینه ازدست‌رفتن زندگی مجردی یا ازدست‌رفتن فرصت ازدواج با بهترین گزینه در مرتبه بعد) فراتر رود. به‌خاطر مشکل اطلاعات ناقص، افراد مجبورند به جست‌وجو بپردازند. این امر به‌خودی‌خود هزینه به همراه دارد و لذا ممکن است فرد نهایتاً به همسری با ویژگی‌هایی پایین‌تر از حد ایده‌آلش راضی شود. یا این که برای جبران، فرد ممکن است چانه‌زنی کند تا امتیازهایی به دست آورد. امتیازها می‌تواند شامل مبادله مقادیری پول (جهیزیه و...) و یا قبول تعهدات خاص (تغییر در عادات خاص) باشد. باین‌وجود، آزادی انتخاب و اطلاعات کافی برای ایجاد تعادلی که در آن شرایط بهینه پرتو برای طرفین برقرار باشد، وجود دارد.

تغییرات عمده در متغیرهایی (میزان درآمد انتظاری، هزینه‌های برآورد شده و...) که در تصمیم‌گیری طرفین نقش مهمی داشته‌اند، سبب خواهد شد که افراد تصمیماتشان را دوباره ارزیابی کنند. حتی اگر به این نتیجه برسند که طلاق، کم‌هزینه‌تر از بقای ازدواج است، ممکن است این تغییرات منجر به جدایی شود که طرفین از یکدیگر جدا شوند. وی میزان وقت صرف شده برای جست‌وجو نیز با ناپایداری ازدواج را مرتبط می‌داند و بیان می‌کند آنهایی که در جوانی و بر اساس اطلاعات محدود درباره ویژگی‌های طرف مقابل و گزینه‌های جایگزین موجود ازدواج می‌کنند، فوق‌العاده مستعد طلاق هستند و بر عکس افرادی که در سنین بالا ازدواج می‌کنند به علت جستجوی بیشتر و شناخت بهتر کمتر به طلاق دچار می‌شوند (فیاض، ۱۳۸۷).

## نظریه فرزندآوری

بکر تئوری خود تحت عنوان مدل‌سازی تقاضا برای کودک را نیز با همین نگرش در سال ۱۹۶۰ ارائه داد. وی کودکان را به‌عنوان یک کالای بادوام مورد تحلیل قرارداد؛ به این معنی که والدین، تصمیم‌گیری برای فرزندآوری را با توجه به محاسبه هزینه و فایده‌ای که تولد یک کودک با توجه به سطح درآمد و قیمت‌های رایج صورت می‌دهند. در الگوی وی خانواده یک واحد اقتصادی عقلایی با قدرت پیش‌بینی کامل بوده و ترجیحات والدین خانواده همیشه مشابه است. از این‌رو تصمیم‌گیری خانواده برای فرزندآوری، تابعی از درآمد، دستمزد زن، اشتغال زن و بالاخره تحصیلات والدین است. در این مدل تقاضا برای فرزندآوری بر دو اصل استوار است:

(الف) با بهبود درآمد خانواده، والدین، سطح بالاتری از رفاه زندگی را برای فرزندان خود ایجاد می‌کنند.

(ب) با افزایش درآمد، احتمالاً والدین تعداد کودکان یعنی تقاضا برای فرزندآوری را افزایش می‌دهند.

طبق این نظریه، وجود هزینه‌های خالص تولد، نگهداری و پرورش فرزندان نشان می‌دهد که فرزندان، نوعی از کالاهای مصرفی هستند. وجود آن‌ها در طول زمان نشان‌دهنده این است که ما با کالاهای مصرفی بادوام روبرو هستیم. در نتیجه آن‌ها باید با دیگر کالاهای مصرفی بادوام بر سر بودجه خانوار رقابت کنند؛ بنابراین فرزند به‌مانند دارایی بادوام تلقی می‌شود که جریانی از خدمات را در طول زمان ارائه می‌دهد. از آنجایی که کودک به‌عنوان یک کالای بادوام در نظر گرفته می‌شود، با افزایش درآمد، مطابق آموزه‌های تئوری اقتصاد خرد در خصوص دو اثر «جانشینی» و «درآمدی»، برای دو مقوله کیفیت و کمیت فرزند تحقیق یافته و هر چه اثر جانشینی بیشتر باشد، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند کیفیت کودک را نسبت به کمیت آن بالا ببرند و درآمد خود را صرف بهبود شرایط فرزندان موجود کنند و اگر اثر درآمدی غلبه پیدا کند، احتمالاً والدین نسبت به ازدیاد فرزندان تصمیم خواهند گرفت. (کشاورز، ۱۳۹۱)

### پیوند تحصیلات و فرزندآوری

بکر میزان تحصیلات والدین را نیز در مسئله فرزندآوری به‌طور جدی دخیل می‌داند؛ وی بر این باور است به‌ویژه در خصوص تحصیلات مادران، رابطه‌ای منفی، (چه در کشورهای فقیر و چه در کشورهای غنی) میان نرخ زادوولد و سطح تحصیلات وجود دارد به‌نحوی که هرچه میزان تحصیلات والدین بالاتر باشد، تعداد فرزندان کمتر است، چرا که والدین ترجیح می‌دهند تا زمان و منابع مالی محدود خود را صرف سرمایه‌گذاری در تحصیل و بهداشت هر یک از فرزندان کنند تا اینکه به داشتن تعداد فرزندان بیشتر پردازند؛ وی معتقد است کشورها برای جلوگیری از رشد جمعیت و میزان بالای مرگ‌ومیر، می‌توانند با تشویق والدین به تحصیلات بیشتر به‌ویژه برای خانم‌ها، به هدف خود برسند (بکر، ۱۳۸۰). بکر و دیگران (۱۹۹۰) در بررسی رابطه بین بعد خانوار و سرمایه‌انسانی در بین کشورها دریافتند کشورهایی که باروری بالایی دارند سرمایه‌گذاری کمتری در سرمایه‌انسانی کودکان صورت می‌گیرد (ترکاشوند و دارابی، ۱۳۹۴). می‌توان این خط فکری از بکر را در تحلیل‌های وی دنبال کرد که افراد در همه حوزه‌های رفتاری حسابگرند و پیش از تصمیم‌گیری، درگیر هزینه و فایده می‌شوند. از همین رو در بیانیه جایزه نوبلی که به وی اعطا شد، تأکید شده است که وی به دلیل گسترش دامنه تحلیل اقتصاد خردی به عرصه گسترده‌ای از رفتارهای غیربازاری مستحق آن شده است (توکلی، ۱۳۹۷، ص. ۳۵۰).

### ۳. نقد آرای بکر در حوزه اقتصاد خانواده و فرزندآوری

برای بررسی واقع‌گرایانه نسبت به مبانی آرای بکر ابتدا باید دو حوزه نگرشی را نسبت به این افکار و آثار مدنظر داشته باشیم: نخست بررسی اندیشه‌های وی به‌عنوان یک ناظر و تحلیل‌کننده اوضاع موجود و فعلیت‌یافته در جوامع بشری است که از این منظر وی مانند سیره غالب اقتصاد متعارف تلاش کرده است تا جهان پیرامون خود را به رشته تحلیل درآورد و سعی خود را بر علت‌یابی و بیان ریشه مشاهدات موجود قرار دهد و دیگری ناظر بر مبانی فکری وی خواهد بود؛

### تضعیف ملاک‌های غیراقتصادی

همان‌طور که در بخش بیان اندیشه‌های بکر مطرح شد، یکی از مواردی که بکر با معیار سودمحور بودن نگاه افراد در حین تصمیمات در زندگی خانوادگی بیان می‌کند، نحوه انتخاب همسر است؛ وی علاوه بر بیان این ملاک که افراد تلاش می‌کنند تا همسری را انتخاب کنند که بالاترین سطح درآمد را پس از زندگی مشترک برای آنها تأمین کند، بیان می‌دارد که از قضا به همین ملاک منجر به قوام بیشتر خانواده‌ها می‌شود چرا که افرادی که برای رسیدن به بهترین گزینه‌ای که ملاک مذکور را بیشتر و بهتر تأمین می‌کند حتی تا سنین بالاتر ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و همین نکته باعث شده تا ازدواج‌های انجام شده در سنین بالاتر از قوام بسیار بالاتری برخوردار باشد؛ وی در این مورد نیز مانند بسیاری از تحلیل‌های خود برای توجیه کارآمدی ملاک سودمحوری، از یک سو بسیاری از علل دخیل را نادیده می‌انگارد و از سویی به خواننده این‌طور القا می‌کند که ازدواج یک فرایند سود و زیان مالی است و چون امکان سودآوری ازدواج در سنین بالاتر بیشتر است بهتر است تا در دوران جوانی ازدواج نکرد تا هم به سود بیشتری رسید و هزینه‌ها را کاهش داد و هم پیوند ازدواج مستحکم‌تر شود؛ باین‌وجود وی در خصوص آسیب‌های اجتماعی و حتی اقتصادی جبران‌ناپذیر تأخیر در ازدواج توضیحی ارائه نمی‌دهد.

ادعای بکر به‌عنوان تبعیت تقاضا برای داشتن فرزند، از الگوی مشابه تقاضا برای یک کالای بادوام، باوجود شواهد بسیار دال بر کاهش بعد خانوار با افزایش درآمد هم‌خوانی ندارد؛ و یا اینکه رابطه معکوس مشاهده شده بین آموزش و بعد خانوار می‌تواند هیچ ارتباطی به هزینه فرصت والدین نداشته باشد، بلکه ارتباط زیادی با ارزش‌ها و منش‌هایی داشته باشد که انتظار می‌رود آموزش القا کند (قدیم‌زاده، ۱۳۸۷). یکی از مسائل مهمی که وی مطرح می‌کند ارتباط مستقیم افزایش تحصیلات به‌خصوص در مادران با کاهش میزان باروری است؛ ولی باید به این نکته توجه کرد که وی ظاهراً نوع خاصی از آموزش و گزاره‌های آموزشی را که در فرهنگ سرمایه‌داری رایج است پیش‌فرض قرار داده است و هرگز به ماهیت آموزش توجه جدی نکرده است؛ انسان‌ها بر اساس بینش‌ها و افکاری که مطابق آن آموزش و پرورش دیده‌اند رشد، تلاش و عمل می‌کنند پس این مهم است که بدانیم چه آموزه‌هایی در جوامع مورد بررسی وی داده شده و چه‌بسا اگر آموزه‌های توحیدی جایگزین نگاه سرمایه‌داری و سودمحوری صرف به‌عنوان ملاک اصلی بکر برای تحلیل اقتصاد خانواده شود، نتایج متفاوتی خواهیم داشت. مطالعه بیانچی و رابینسون (۱۹۹۷) مؤید مدعای مذکور مبنی بر لزوم لحاظ‌داشتن محتوا و ماهیت آموزش است. آنها در پژوهش خود هیچ رابطه‌ای بین بعد خانوار و دستاوردهای کودکان را رد یا تأیید نمی‌کنند (ترکاشوند و دارابی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۹-۱۶۰).

از سوی دیگر مطابق با نظریات بکر با افزوده‌شده تعداد فرزندان، منابع محدودتری برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی فرزندان وجود خواهد داشت، اما در این خصوص نمی‌توان از اثر اجتماعی افزوده‌شدن به تعداد مولید غافل شد؛ ضمن اینکه که ممکن است متغیرهای دیگری نیز وجود داشته باشند که هم بر سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌انسانی فرزندان و هم بر بعد خانواده اثرگذار باشد و در بررسی روابط باید به آنها توجه شود. از جمله مهم‌ترین این متغیرها می‌توان به وضعیت فرهنگی و آموزشی والدین اشاره کرد (همان). به‌علاوه این مسئله شاید در کوتاه‌مدت یعنی در سنین رشد اولیه کودکان صادق باشد؛ ولی کاهش مولید و کاهش فرزندان هر خانواده می‌تواند هزینه‌های بسیار بالاتری در دوران نوجوانی، جوانی فرزندان و کهن‌سالی والدین داشته باشد چرا که این ساختار

زاینده هزینه‌های دیگری چون استفاده از مهدهای کودک و خانه‌های سالمندان در آینده نه‌چندان دور است ضمن آنکه از منظر اجتماعی بسیاری از همیاری‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در خانواده‌های بزرگ‌تر، دیگر وجود نخواهد داشت و این به نوبه خود هزینه زندگی را افزایش می‌دهد؛ به عبارت دیگر هرچند بکر تلاش می‌کند تا افزایش میزان مخارج خانواده و کاهش سرانه فرزندان را برای والدین با افزایش مولید مرتبط سازد، اما در خصوص کاهش کیفیت زندگی ناشی از سایر مخاطرات پیش آمده حاصل از کاهش باروری مثل کوچک شدن خانواده‌ها، افزایش نیاز به تأمین نیازهای مادی و معنوی از بازار، توضیحی نمی‌دهد. عدم برخورداري ما از اطلاعات کامل نسبت به آینده فرزندان به‌خصوص در مورد فرزندان که هنوز متولد نشده‌اند، مسئله دیگری است ارزش آرای بکر را با چالش مواجه می‌سازد؛ واقعیت آن است که ما نمی‌دانیم به‌طور قطع بگوئیم چه مولودی در حال تولد است و چه آینده‌ای در انتظار است، هرچند فراهم بودن شرایط رشد استعدادهای کودکان بسیار مهم و بااهمیت است، اما مطالعه زندگی بسیاری از دانشمندان و افراد موفق که اتفاقاً تحولی عظیم در مسیر رشد و پیشرفت بشری ایجاد کرده‌اند، وابستگی کامل این دو را با هم نفی می‌کند و چه بسا فرزندی که در خانواده‌ای فقیر پا به عرصه حیات می‌گذارد، منجر به تحولی عظیم در رفاه عمومی و برقراری عدالت شود.

## تقابل نمایی کیفیت و کمیت

همان‌طور که در بخش معرفی آرای وی بیان شد، وی معتقد است والدینی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند، تلاش می‌کنند تا فرزندان باکیفیت بالاتر داشته باشند تا فرزندان بیشتر؛ مشکل اصلی این تحلیل در تعیین شاخصه‌های کیفی فرزند است؛ فرزند مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا نفس تقدم کیفیت بر کمیت فرزند به خاطر ترس از کاهش کیفیت فرزندان موجود، به علت کاستن از روابط اجتماعی داخل خانواده و عدم برآورده کردن نیازهای فطری و طبیعی، مانع از رشد و ایجاد ویژگی‌های مطلوب نمی‌شود؟ اینها و بسیاری از سؤالات دیگر، مواردی است که بکر به‌خوبی به آنها پاسخ مناسبی نمی‌دهد و پرواضح است که با نگاه تحلیل سودمحور نمی‌توان به آنها پاسخ داد؛ ریشه مهم‌ترین مسئله آن یعنی تعیین ویژگی‌های مطلوب یک فرزند، ریشه در اعتقادات و فرهنگ حاکم بر خانواده و اجتماع دارد؛ ممکن است برخورداري از سلامت جسم، امکانات آموزشی و... در همه نگاه‌ها به‌طور توافقی نگرسته شود؛ اما سلامت روانی و برخورداري از ایمان، ایثار، شجاعت، روحیه تعامل با دیگران و... از مسائلی است که نوعاً مورد اختلاف مکاتب فکری است و غالباً با توان مالی والدین ارتباط مستقیمی ندارد.

## گستره مخاطرات نگرش اقتصادی به نهاد خانواده

گستره نوع نگرش دیدگاه بکر در خصوص اقتصاد خانواده و فرزندآوری بسیار خطرناک خواهد بود. مطالعات معاصر بیان‌کننده آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن است؛ به‌عنوان نمونه غلبه کارکرد اقتصادی در امور ازدواج برای زنان، موجب آن شده است تا زنان ورود به بازار کار را بر فرزندآوری ترجیح داده و با احساس استقلال مالی نیاز چندانی به ازدواج پیدا نمی‌کنند و زندگی مجردی را بر می‌گزینند؛ چرا که بر اساس مشاهدات عینی، با غلبه نگرش اقتصادی، با پذیرش مسئولیت ازدواج، حقوق انسانی و عاطفی زنان

اغلب تأمین نشده و محدودیت‌های جدیدی برای آنها ایجاد می‌شود. مردان نیز با توجه به مباحثی چون تورم و افزایش هزینه‌های ازدواج، تمایل چندانی به داشتن زندگی مشترک نشان نمی‌دهند؛ در نتیجه، ازدواج رسمی که با مسئولیت‌های اقتصادی قانونی توأم است، در رویکرد عقلانیت مدرن توجیه قابل قبولی برای مردان ندارد (رحیمی، شاکری، و کلاتری، ۱۳۹۸، ص. ۲۹). تلاش برای دستیابی به حقوق مالی؛ مانند به اجرا گذاشتن مهریه، عدم پابندی به نگهداری والدین و رسیدگی به نیازهای آنها در سالمندی و... از دیگر مخاطرات غلبه نگرش اقتصادی است.

به‌طور کلی پیامدهای نگرش بازاری به تشکیل خانواده و فرزندآوری و روند سالخورده‌گی جمعیت در کشورهای غربی را می‌توان در دو حوزه کمی و کیفی تقسیم کرد:

## ۱. پیامدهای کمی

الف. کاهش نرخ باروری و تغییر ساختار سنی جمعیت

آمارها نشان می‌دهد نرخ باروری در بسیاری از کشورهای غربی به زیر سطح جایگزینی (۲.۱ فرزند به ازای هر زن) رسیده است. برای مثال، نرخ باروری در ایتالیا ۱.۲۴ (۲۰۲۱)، اسپانیا ۱.۱۹ (۲۰۲۱)، و آلمان ۱.۵۳ (۲۰۲۱) گزارش شده است. (Eurostat, 2023) پیش‌بینی می‌شود سهم جمعیت بالای ۶۵ سال در اتحادیه اروپا از ۲۰.۸٪ در ۲۰۲۲ به ۳۱.۳٪ تا ۲۰۵۰ افزایش یابد (United Nations, 2022). افزایش نسبت وابستگی سالمندان (نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال به جمعیت فعال ۱۵-۶۴ سال) از ۳۲.۴٪ در ۲۰۲۲ به ۵۵.۸٪ تا ۲۰۵۰ در اتحادیه اروپا نیز از دیگر عوارض این سیاست‌ها بوده است. (Eurostat, 2023)

ب. فشار بر نظام‌های رفاهی و اقتصادی

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد هزینه‌های مرتبط با بازنشستگی و سلامت در کشورهای OECD تا ۲۰۵۰ به ۲۵-۳۰٪ از GDP خواهد رسید. (OECD, 2021) به‌علاوه پیش‌بینی می‌شود جمعیت فعال اتحادیه اروپا تا ۲۰۵۰ حدود ۱۸٪ کاهش یابد (European Commission, 2021).

## ۲. پیامدهای کیفی

الف. تغییر ارزش‌های اجتماعی و فردگرایی

نگرش بازاری به فرزندآوری (دیدگاه هزینه - فایده) منجر به اولویت‌بندی اهداف شخصی (مانند تحصیل، شغل، و مصرف‌گرایی) بر تشکیل خانواده شده است (Lesthaeghe, 2014). شمار افرادی که ترجیح می‌دهند بدون فرزند زندگی کنند در برخی جوامع غربی حال افزایش است به‌عنوان نمونه در آلمان، ۲۲٪ از زنان متولد ۱۹۶۹ بدون فرزند هستند (Destatis, 2020).

ب. تحول در ساختار خانواده

افزایش خانواده‌های تک والد، تأخیر در ازدواج، و رشد خانواده‌های غیرسنّتی (مانند هم‌خانگی بدون ازدواج) (Cherlin, 2010)، کاهش حمایت‌های بین‌نسلی به دلیل فاصله‌گذاری جغرافیایی و فردگرایی (Albertini & Kohli, 2013) از نمونه‌های تحولات ساختار در الگوی خانواده غربی است.

ج. چالش‌های فرهنگی و هویتی

سالخوردگی جمعیت ممکن است به کاهش نوآوری و انعطاف‌پذیری فرهنگی منجر شود (Bloom et al., 2020)، امری که تنش بین نسل‌ها بر سر توزیع منابع مانند اصلاح نظام بازنشستگی را به دنبال خواهد داشت. (Lee & Mason, 2011)

به‌طورکلی نگرش بازاری به خانواده و فرزندآوری (با محوریت فردگرایی و محاسبات اقتصادی) همراه با سالخوردگی جمعیت، هم در کوتاه‌مدت (فشار بر بودجه‌های عمومی) و هم در بلندمدت (تغییر هویت اجتماعی) کشورهای غربی را با چالش‌های ساختاری مواجه کرده است. هر چند راه‌حل‌های پیشنهادی شامل سیاست‌های مهاجرپذیری، تشویق فرزندآوری، و بازنگری در نظام بازنشستگی ارائه شده است، اما اجرای آنها تبعات بسیار خطرناکی مانند تغییر در ساختارهای فرهنگی و اقتصادی را به دنبال داشته است.

#### ۴. نگرش اسلام نسبت به مسائل اقتصادی فرزندپروری

در قرآن کریم اصل وجود فرزند به‌عنوان نعمت الهی (نحل: ۷۲)؛ «خداوند از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید و از همسرانتان پسران و نوادگان و دامادانی قرار داد و شما را از نعمت‌های پاکیزه روزی داد»، متاع دنیا (آل عمران: ۱۴)؛ «محبّت خواستنی‌ها از زنان و پسران و اموال فراوان زر و سیم ... برای مردم آراسته شده است»، زینت زندگی (کهف: ۴۶)؛ «مال و پسران زینت زندگی دنیا هستند»، وسیله امتحان (انفال: ۲۸)؛ «و بدانید که اموال و فرزندانتان وسیله آزمایش شما هستند»، یاری رساننده به پدر و مادر (اسراء: ۶)؛ «سپس شما را بر آنها برتری دادیم و شما را به وسیله اموال و پسران یاری کردیم» مطرح و داشتن فرزند صالح به‌عنوان آرزوی پیامبران الهی (آل عمران: ۳۸)؛ «در آنجا زکریا پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من! از نزد خودت نسلی پاک به من عطا کن»، نور چشم بندگان خاص خدا (فرقان: ۷۴)؛ «و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده» و سبب بشارت خداوند (هود: ۷۱، حجر: ۵۱-۵۳)؛ «و به او اسحاق و پس از اسحاق یعقوب را مژده دادیم» بیان شده است؛ از این رو طلب فرزند صالح و نیز دوام صلاح نسل همواره از ادعیه انبیا و ائمه علیهم‌السلام بوده است و نمونه‌های فراوانی در این خصوص در آیات قرآن کریم و روایات ما وجود دارد (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۷۳-۷۴). در مقابل از فرزند ناصالح با تعبیری چون دشمن والدین (تغابن: ۱۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برخی از همسران و فرزندان دشمن شما هستند»، سبب هلاکت (منافقون: ۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مبادا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کند»، و عذاب آنها (توبه: ۵۵)؛

«پس مبادا اموال و فرزندانشان تو را به شگفت آورد، خدا می‌خواهد آنها را با آن در زندگی دنیا عذاب کند»، سبب تفاخر پدر و مادر غیر مؤمن (حدید: ۲۰)؛ «و تفاخر میان شما به داشتن اموال و فرزندان...» و مایة تهدید (احقاف: ۱۷)؛ «و آن کس که به پدر و مادرش می‌گوید: اف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که [از گور] بیرون می‌شوم در حالی که پیش از من نسل‌های زیادی رفتند» معرفی شده است. در میان آموزه‌های اسلامی، موارد مشخصی به طور مستقیم به حوزه فرزندآوری و نحوه برخورد صحیح با این موضوع مرتبط است؛ بخش اعظمی از این آموزه‌ها به بیان اهمیت و جایگاه ازدواج و فرزندآوری اشاره دارد. به‌عنوان نمونه از امام علی علیه‌السلام نقل است که فرمودند:

«ازدواج کنید؛ چرا که ازدواج سنت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ چنانچه ایشان بسیار می‌فرمود: هرکس می‌خواهد پیرو سنت من باشد، باید ازدواج کند؛ زیرا ازدواج سنت من است؛ جویای فرزند باشید که من روز قیامت به کثرت شما در برابر امت‌های دیگر مباحثات می‌کنم» (عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۰، ص. ۱۵).

و یا از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نقل است که فرمودند: «یک مولود از امت من برایم بهتر است از آنچه خورشید بر او می‌تابد» (عاملی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۴).

در این میان برخی از روایات در منابع روایی دیده می‌شود که از ظاهر آنها گاه برداشت وجود تعارض با سایر روایات فرزندآوری می‌شود. یکی از معروف‌ترین آنها بخشی از حکمت ۱۴۱ نهج‌البلاغه است که در آن امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ»؛ «کمی‌عائله‌مندی یکی از دو آسایش است». باید دقت داشت که روایت مذکور، دلالت روشنی بر مطلوب بودن کمی فرزند، حتی برای افراد فقیر نداشته و باتوجه به احادیث دیگر، در صدد ارزش‌گذاری و خوب یا بد قلمداد کردن چیزی نیست؛ بلکه حاکی از یک واقعیت عینی و ملموس یعنی دشواری و زحمت اداره فرزندان و عائله زیاد - به‌ویژه در شرایط دشوار اقتصادی - و نیز سهولت و راحتی کار در شرایط کمی افراد تحت تکفل است. بدیهی است که دشواری‌های اداره هر مجموعه گسترده‌تر از سایر مجموعه‌های مشابه در مقیاس کوچک‌تر است. برای تبیین این موضوع که بین بیان زحمت فرزندان زیاد و فضیلت کثرت اولاد تنافی وجود ندارد می‌توان به این روایت توجه کرد: از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نقل است که فرمودند:

«ای مردم شخصی را که دارای سه دختر است یاری و کمک کنید. و به او قرض بدهید. و او را مورد لطف و مرحمت خود قرار دهید» (عاملی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۱۵).

در مقابل آموزه‌های اسلامی سعی در آگاهی افراد نسبت به آثار و برکات زحمات فرزندپروری و ایجاد انگیزش لازم برای ترغیب بیشتر آنها دارد. روایات در این زمینه بسیار است اما برای مثال می‌توان به این حدیث نبوی اشاره کرد که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نقل است که فرمودند:

«شخصی که نیازهای معیشتی یک یا دو دختر را تأمین نماید. جایگاه او - در روز قیامت - در کنار من خواهد بود» (عاملی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۱۶).

با این حساب روشن است که نوع نگرش اقتصاد اسلامی متأثر از آموزه‌های اسلامی تفاوت‌های بنیادینی با پارادایم تحلیلی اقتصاد متعارف در حوزه فرزندپروری دارد که در ادامه به برخی از وجوه اشاره می‌شود:

### تفاوت رویکرد علمی - تجربی بکر با رویکرد اخلاقی - ارزشی

بررسی آموزه‌های اسلامی نشانگر آن است که هرچند نگرش اسلام به انسان، تشکیل خانواده و فرزندآوری به هیچ وجه بر اصالت اقتصادی استوار نیست، اما مباحث اقتصادی فردی و اجتماعی نیز مورد دقت و توجه قرار گرفته است. اصول متعددی در ادبیات اقتصاد اسلامی به صورت مسلم و قطعی وجود دارد که تمرکز عملکرد آنها تنها بر بحث تشکیل خانواده و یا فرزندآوری نیست. آموزه‌های اقتصاد اسلامی در صدد قوام و تأمین مالی همه جانبه در حوزه فردی و اجتماعی در هر سه حوزه تولید، توزیع و مصرف هستند. اصولی چون لزوم کار و تلاش، حرمت اکل مال به باطل، ممنوعیت اسراف و اتراف، دستگیری از هموعان، صداقت، امانت و... از آموزه‌های شرعی و اخلاقی اسلام هستند که توجه به آنها وضعیت مناسب اقتصادی را برای فعالیت‌های مورد نیاز بشر فراهم و از این طریق زمینه را برای پرورش و رشد همه جانبه نسل‌های آتی مهیا می‌کند. به بیان دیگر مسئله تأمین نیازهای مادی را باید از مجری و مسیر خود پیگیری کرد و اجازه نداد مسئله مهم زادوولد مبتنی بر مباحث اقتصادی قرار گیرد.

بر خلاف رویکرد بکر که تلاش می‌کند در نظریات خود از فرزند به عنوان یکی از محصولات و تولیدات خانواده سخن بگوید، و فرزند را به عنوان کالایی خصوصی و یا عمومی بررسی کند، در آموزه‌های اسلامی هرچند ممکن است وجوه مثبت اقتصادی فرزند در آینده برای تقویت نظام اقتصادی جامعه نفی نشود؛ اما به هیچ عنوان بعد اقتصادی وی محوریت امر را به خود اختصاص نمی‌دهد. باتوجه به دیدگاه اسلام نسبت به انسان و اصالت بعد معنوی و روحانی وی، نگاه حداکثری به بعد مادی در برابر نگاه حداقلی به ساحت معنوی انسان پذیرفته نخواهد بود. از این رو از نظر روشی نظریات بکر با یک چالش جدی مواجه است چرا که نمی‌توان رویکرد تجربی و به اصطلاح علمی را که در نظریات اقتصاد متعارف برای تحلیل بازار کالا و خدمات صورت می‌پذیرد برای یک عنصری با اصالت ارزشی و معنوی ساری و جاری کرد.

در آموزه‌های اسلامی هیچ کالایی با انسان مقایسه نمی‌شود و آبرو و عزت و شرف مؤمن در بالاترین سطوح ارزشی قرار دارد. جدا از نگرش اقتصادی به فرزندآوری، با نگرشی عمیق تر به دیدگاه اسلام نسبت به فرزندآوری درمی‌یابیم که اسلام ارزش فرزند انسان را در حد و اندازه‌هایی فراتر و بسیار بالاتر از نگاه مادی و مطلوبیت گرا قرار داده و از نظر اسلام تولیدمثل، فرایند فرزندآوری مسیری است که در آن جانشین خدا در زمین، پا به عرصه وجود می‌گذارد؛

در برخی روایات، بارداری هم‌تراز ارزش‌های بزرگی همچون جهاد در راه خدا قرار گرفته است. از جمله از امام صادق علیه‌السلام منقول است که:

«ام‌سلمه به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌عرض کرد: ای رسول خدا، مردها همه خیرها را به چنگ آوردند؛ پس برای زنان بیچاره چه سهمی است؟ حضرت در پاسخ فرمود: چنین نیست: زن در هنگام بارداری به منزله کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها در حال عبادت است و با مال و جانش در راه خدا جهاد می‌کند. پس زمانی که وضع حمل کند، مستحق پاداشی می‌گردد که به سبب بزرگی آن هیچ کس توان درکش را ندارد و آنگاه که کودکش را شیر می‌دهد، در ازای هر مکیدنی معادل آزادکردن یکی از فرزندان اسماعیل که وقف عبادت خدا شده، به وی پاداش تعلق می‌گیرد. پس هنگامی که از شیردادن فارغ گردید، فرشته بزرگواری بر پهلوئی او زده، می‌گوید: اعمال خود را از سر بگیر، به درستی که تمام گناهانت آمرزیده شد» (عاملی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۷۵).

البته این ارزش معنوی فقط در دوران فرزندآوری نبوده و تا پایان عمر فرزندان برای والدین ثمربخش خواهد بود چرا که در روایت نبوی می‌خوانیم: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يُتَمَعُّ بِهِ أَوْ صَدَقَةٍ تَجْرِي لَهُ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»؛ «هرگاه انسان بمیرد، عملش قطع می‌شود مگر از سه چیز: دانشی که از آن سود برند، صدقه‌ای جاری، یا فرزند صالحی که برایش دعا کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۲، ص. ۲۳). بنابراین سرمایه‌گذاری در فرزندآوری به شرط تربیت صحیح، متفاوت از سرمایه‌گذاری‌های رایج کوتاه و یا بلند مدت دنیوی است و آثار آن می‌تواند برای انسان ابدی باشد؛ هر چند ممکن است در این جا شبهه‌ای مطرح شود که برخورداری از توان مالی منجر به شکل‌گیری فرزند صالح می‌شود ولی در بخش بعد بیان خواهد شد که این امر را باید در جایگاه و شرایط خود سنجید و لحاظ کرد و نه به عنوان یک علت تامه؛ البته نمونه‌های قرآنی و روایی بسیار زیادی در این باره در منابع اسلامی وجود دارد به نحوی که ابواب و فصول جداگانه‌ای برای بیان روایات مربوط به ازدیاد رزق در بستر ازدواج و فرزندآوری وجود دارد که به سبب اختصار، توجه خواننده را به اصل کتب روایی چون الکافی (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۳۳۰)، بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۱۰۰، ص. ۲۲۲)، وسائل الشیعه (عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۰، ص. ۴۲) و... جلب می‌نمایم.

شواهد متعددی در منابع اسلامی وجود دارد که انسان‌ها را از ترس و هراس نسبت به مخارج مالی تشکیل خانواده و نیز فرزندان نهی می‌کند و نگاه متفاوتی را با آنچه که در ادبیات اقتصاد خانواده رایج است بیان می‌کند. در وهله تشکیل خانواده و ازدواج، توجه به منابع اسلامی، دریچه امیدبخش و البته متفاوتی را نسبت به نگاه مادی‌گرایانه و سرمایه‌داری برای ما هویدا می‌سازد؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌فرماید: «رَزَّوْجُوا أَيَّامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَ يُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ يَزِيدُهُمْ فِي مُرْوَاتِهِمْ»؛ «مجردهائتان را همسر دهید که خداوند بدین سبب اخلاقشان را نیکو و روزی‌شان را وسعت می‌بخشد و بر جوانمردی‌شان می‌افزاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۱۰۰، ص. ۲۲۲) و نیز در این باره امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّرْوِيحَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ آسَأَ بِاللَّهِ الظَّنَّ»؛ «هرکس از ترس فقر و تهی‌دستی ازدواج را ترک کند به خدا گمان بد برده است» (عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۰، ص. ۴۲) و نیز امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْعِيَالِ»؛ «روزی همراه زنان و عائله‌مندان است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۳۳۰).

نمونه صریح آن در آیه ۳۱ سوره مبارکه اسراء است که می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا»؛ «و فرزندان خود را از ترس درویشی مکشید؛ ما میم که آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ بی‌تردید کشتن آنها گناهی بزرگ است»؛ اسلام نه تنها تشکیل خانواده و فرزندآوری را باعث مشکلات معیشتی در خانواده نمی‌داند، توسعه معیشتی را پس از ازدواج و صاحب فرزند شدن به واسطه تلاش و برکت همراه آن تضمین کرده است. خداوند در پرتو ازدواج و فرزند، برکت و بی‌نیازی را به انسان عطا می‌کند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ»؛ «و فرزندان را از ترس درویشی مکشید، ما میم که شما و آنها را روزی می‌دهیم» (انعام: ۱۵۱).

خداوند در مقام نهی کردن از کشتن فرزندان فرموده: منطقی شما در فرزندکشی جز این نیست که نمی‌توانید روزی و هزینه زندگی آنان را فراهم نمایید که این خود منطقی غلط است؛ زیرا این شما نیستید که روزی فرزندان را فراهم می‌کنید؛ بلکه خدای تعالی است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد؛ پس شما چرا می‌ترسید و از ترس، آنان را به دست خود از بین می‌برید؟ (طباطبایی (ره)، ۱۳۶۳، ص. ۵۱۶).

و یا در روایات نقل شده است شخصی به امام رضا علیه‌السلام نامه‌ای نوشت که من از پنج سال پیش از بچه‌دار شدن خودداری می‌کنم؛ چراکه همسرم داشتن بچه را خوش نمی‌دارد و می‌گوید: به دلیل اینکه درآمد خوبی نداریم، تربیت و بزرگ کردن آنان برای من دشوار است. نظر شما چیست؟ امام در پاسخ او نوشتند: «بچه‌دار شوید و بدانید که خداوند آنها را روزی می‌دهد» (عاملی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۹۹)؛ اسلام با نگاهی بلند بیان می‌کند که فرزند موجب برکت در خانواده است. پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «بیت لا صبیان فیه لا برکة فیه»؛ «خانه‌ای که در آن کودکی نباشد برکت ندارد» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج. ۱۶، ص. ۲۷۴).

## توجه به شرایط مقتضیات زمان

پرواضح است که تشویق و ترغیب آموزه‌های اسلامی به فرزندآوری، توجه دادن به رزاقیت الهی، اصالت دهی به بعد معنوی انسان و سایر آموزه‌های معنویت محور، هیچ یک به معنی اعتنان‌کردن به لزوم فراهم‌سازی شرایط و لزوم رفع موانع برای مهیا ساختن امکانات مادی برای رشد و پرورش هرچه بهتر فرزندان نیست؛ توصیه اکید اسلام به کار و تلاش از یک سو و قوانین متعدد و دقیق مالی و اقتصادی شریعت اسلامی آن هم به طور خاص در حوزه مسائل مالی خانواده از سوی دیگر، بیانگر اهتمام اسلام به فراهم‌سازی و ایجاد بسترهای اقتصادی لازم برای رشد و پرورش متعالی فرزندان در خانواده و جامعه است.

حال اگر بنا بر مقتضیات و شرایط جامعه برخی شرایط مانند شرایط اجتماعی و اقتصادی برای تشکیل خانواده و فرزندآوری میسر نبود و یا با مشکلات خاصی همراه بود، موضع آموزه‌های اسلامی جدیت برای رفع موانع موجود و مهیا ساختن شرایط لازم است. تصور برخورد غیرعقلایی با مسئله فرزندآوری و یا ازدواج و استناد آن با آموزه‌های دینی اشتباهی فاحش است. آموزه‌های اسلامی به هیچ وجه به چشم‌پوشی از واقعیات اجتماعی و اقتصادی امر نمی‌کنند؛ اما این نکته بدان معنی نیست که باوجود مشکلات و موانع،

امور مهمی چون ازدواج و ازدیاد نسل از اولویت خود خارج و به حاشیه رانده شود. به عبارت دیگر با ایجاد شرایط و مقتضیات متزاحم با ازدواج آسان و فرزندآوری، نباید تسلیم شرایط شد، و انتخاب مسیر تجرد و یا امتناع از فرزندآوری را پذیرفت؛ برخی مطالعات و پژوهش‌های جمعیت‌شناسانه نشان می‌دهد در دو دهه گذشته، کاهش فرزندآوری در کشور ارتباط مستقیمی با عناوینی چون تغییر جایگاه زنان در جامعه، دگرگونی ارزش‌ها، تحول در ماهیت خانواده، افزایش تمایلات خودخواهانه برای رفاه و فراغت، فردگرایی و در یک جمله نفوذ سبک زندگی مدرن در لایه‌های مختلف زندگی فردی خانوادگی و اجتماعی با هدف کسب لذت بیشتر از زندگی است (آقایاری زهیر، فرخی نگارستان، و لطیفی مجره، ۱۳۹۵). در این میان برخی فرهنگ‌های غلط و فرایندهای مهندسی نشده؛ مانند تحصیلات عالی و اشتغال معمولاً میل زنان به ازدواج را کم و سطح توقع آنها را در مقوله ازدواج بالا می‌برد. البته تجرد قطعی ریشه‌های فرهنگی نیز دارد؛ به دلیل فرهنگ‌سازی‌های نادرست که استانداردهای ازدواج را افزایش می‌دهد، افراد در فرصت مناسب ازدواج نمی‌کنند و در معرض تجرد قطعی قرار می‌گیرند (قاسمی، ۱۴۰۱).

در شرایطی که فرایند اقدام به ازدواج و فرزندآوری برای برخی از افراد دچار موانع جدی می‌شود، دو نوع رویکرد انفعالی و فعال پیشرو خواهد بود. در رویکردی که فردگرایی و منفعت‌طلبی شخصی از اصالت و محوریت برخوردار است، چارچوب فردگرایی و لیبرالیسم به دلیل عدم احساس آسیب به ساحت منافع فردی، رویکرد انفعالی را راحت‌ترین و البته سودمندترین روش دانسته و در نتیجه در صدد تسهیل فرایند پرزحمت ازدواج رسمی، فرزندآوری و تربیت آنها در ازای سست کردن بنیان خانواده و توسعه روابط غیررسمی برمی‌آید. رویکردی که به‌ظاهر کم‌هزینه‌تر بوده و سریع‌تر مطلوبیت فردی را به وی منتقل می‌کند.

اما آنچه از آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود، رویکرد فعالانه و مسئولانه است. امر ازدواج و فرزندآوری مطابق با برخی از شواهد قرآنی و روایی که در بخش‌های گذشته از مقاله بدان اشاره شد، آن‌چنان مهم و حیاتی است که اگر به‌خودی‌خود شرایط برای آنها فراهم نبود و فرد به‌تهایی نیز توان مقابله با آنها را نداشت، سایر بخش‌های عمومی، خصوصی و خیریه به‌عنوان وظیفه‌ای واجب و ضروری باید نسبت به رفع موانع و ایجاد بسترهای لازم اقدام کند.

قرآن کریم در آیه ۳۲ از سوره مبارکه نور می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ «و بی‌همسران از خودتان و شایستگان از بردگان و کنیزانتان را همسر دهید؛ اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خویش بی‌نیازشان می‌کند و خدا گشایش‌گر داناست.»

«تعبير "انكحوا" با اینکه ازدواج يك امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسئله ازدواج، و بالاخره پادرمیانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام‌پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هرگونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می‌شود. بدون شك اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۴۵۷).

بدیهی است که فقر و تنگدستی، از جمله موانع ازدواج محسوب و در شرایط حاد ممکن است استجاب و رجحان ازدواج را برای شخص فقیر ساقط کند؛ اما این بدان معنی نیست که اگر انسان حداقل شرایط مذکور را در اختیار دارد به سبب نداشتن امکانات بیشتر و ترس از فقر تشکیل خانواده کند. ضمن آنکه در منابع روایی سفارش‌های فراوانی برای تعاون در امر ازدواج دیگران ذکر شده است<sup>3</sup> و وظیفه خطیر ازدواج افراد تهی دست را بر عهده سایر اعضاء جامعه نهاده است؛ نمونه‌های مذکور نشان می‌دهد توجه به جامعیت آموزه‌های اسلامی راه حل بسیاری از مشکلات خودساخته و یا مشکلاتی غیرقابل اجتناب در جوامع بشری است. اسلام وظایف اجتماعی متعددی را برای آحاد افراد نسبت به یکدیگر بیان می‌کند که رسیدگی به امر ازدواج و بقای نسل مسلمین از موارد مهم آنهاست؛ با این حال اگر به سبب مقتضیات خاص، شرایط و بسترهای لازم وجود نداشت، تا زمان تحقق آنها خدای متعال عفت و پاک‌دامنی را به‌عنوان اصلی لازم و ضروری برمی‌شمارد<sup>4</sup>. آنچه مشهود است آن است که چه در وضعیت مهیا بودن شرایط و چه در صورت عدم آن، به‌هیچ‌وجه نگرش اسلام به امر ازدواج و فرزندآوری نگاهی بازارمحور و یا فردگرایانه نبوده است.

## مروری بر نظامات انگیزشی برخی جوامع برای فرزندآوری

سیاست‌های تشویقی یا محدودکننده فرزندآوری در کشورهای پرجمعیت، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی و مذهبی شکل می‌گیرند. به‌عنوان مثال در برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی با ارائه مشوق‌های مالی نظیر کمک‌هزینه فرزند، مسکن رایگان و مرخصی‌های طولانی‌تر، فرزندآوری تشویق می‌شود. در امارات، خانواده‌ها برای هر فرزند تا ۱,۰۰۰ درهم امارات ماهانه دریافت می‌کنند (Al-Maktoum, 2020). این سیاست‌ها باهدف افزایش جمعیت بومی و تقویت امنیت ملی طراحی شده‌اند. در اندونزی، علی‌رغم سیاست‌های محدودکننده (مانند برنامه «دو فرزند کافی»)، خانواده‌های روستایی به دلیل ارزش‌های مذهبی و نیاز به نیروی کار، تمایل به فرزندآوری بیشتر دارند (Jones & Gubhaju, 2022).

چین نیز روند سیاستی خود را از سیاست تک‌فرزندی به سه‌فرزندی تغییر داده است. چین پس از دهه‌ها اجرای سیاست تک‌فرزندی، در سال ۲۰۲۱ به دلیل بحران پیری جمعیت، اجازه سه فرزند را صادر کرده است. مشوق‌های جدید شامل کمک‌هزینه تحصیلی، تخفیف مالیاتی و حمایت از مسکن می‌شود (National Health Commission of China, 2021). با این حال، هزینه‌های بالای زندگی در شهرها (مانند شانگهای) باعث شده است بسیاری از خانواده‌ها به‌ویژه در طبقه متوسط، از فرزندآوری بیشتر خودداری کنند (Yip & Zhang, 2023). در همسایگی چین، دولت هند با سیاست‌های غیرمتمرکز، در ایالت‌هایی مانند اوتار پرادش قانون دوفرزندی را برای دسترسی به خدمات دولتی اجباری کرده است (Chatterjee & Desai, 2022). در مقابل، ایالت‌های جنوبی (مانند کرالا) با گسترش سیاست‌های تنظیم خانواده، نرخ باروری را کاهش داده‌اند (Dreze & Murthi, 2021).

3 برای نمونه بنگرید به: عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۱۴، ص. ۲۷ (باب ۱۲ از ابواب مقدمات نکاح)

۴ «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»؛ «و کسانی که توانایی ازدواج ندارند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند» (نور: ۳۳).

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بکر به‌عنوان یکی از اقتصاددانان معاصر تلاش بسیاری برای توضیح و تحلیل مسائل خانواده با استفاده از الگوهای مطرح در اقتصاد کرده و بیان داشت که از یک سو به‌جای تحلیل افراد به‌طور مجزا در اقتصاد خرد، باید رفتار افراد را در قالب خانواده و تحت شرایط حاکم بر آن مورد بررسی قرارداد تا بتوان تحلیل دقیق‌تری از مسائل ارائه داد و بدین صورت از مسائلی که غالباً در تحلیل‌های اقتصادی برای ساده‌سازی چشم‌پوشی می‌شود، کاست؛ از سوی دیگر وی مدعی شد می‌توان رفتارهای افراد را در خانواده با تحلیل هزینه فایده توجیه کرد، از این رو تمامی فرایندهای تشکیل خانواده، فرزندآوری، طلاق و... را می‌توان با معیار سودمندی اقتصادی سنجید و مورد تجزیه قرارداد به‌نحوی که افراد گزینه‌ای را برای ازدواج انتخاب می‌کنند که بیشترین سود را برای آنان به ارمغان بیاورد و یا زمانی اقدام به فرزندآوری می‌کنند که سود برخورداری از فرزند را بیشتر از عدم آن بدانند و در مورد سایر وقایع موجود در زندگی خانوادگی نیز تصمیم مشابهی اتخاذ می‌کنند.

امروزه بسیاری از خانواده‌های برخوردار در سراسر جهان به سبب برخورداری از دیدگاه‌های فردگرایانه و لذت‌محور با کالا انگاری فرزند، از تکثیر نسل خودداری و مطلوبیت خود را الگوی کم‌فرزندی جستجو می‌کنند. از سوی دیگر مشکلات اقتصادی حاصل از عدم توازن امکانات و ضعف در عدالت اقتصادی با ایجاد خوف از فقر و نداری، مسیر اجتناب از ازدیاد نسل را پیش گرفته‌اند. وجود هر دو طیف دلالت بر خطا راهبردی بشر در حوزه فرزندآوری است. از دیدگاه دین مبین اسلام، در حوزه اقتصاد خانواده هرچند فقر امری بسیار مذموم و دارای عواقب سوء و ناگوار است اما نهاد خانواده، تشکلی مقدس و دارای ارزش‌هایی فراتر از تحلیل‌های مادی و اقتصادی است و ملاک تصمیم‌گیری در مراحل گوناگون آن همچون تشکیل خانواده، فرزندآوری، روابط میان زوجین و فرزندان، طلاق و... هیچگاه ملاک صرف اقتصادی و مسائل مالی و مادی نیست؛ از منظر اسلام خانواده نهادی است که خدای سبحان خود غنی مالی آن را تضمین کرده و از آن گذشته در متون اسلامی از آن به‌عنوان ابزاری برای کاهش فقر یاد و روزی افراد را در بستر خانواده تعریف شده است؛

مشکلات اقتصادی موجود در جوامع برخوردار و غیربرخوردار ناشی از عدم توجه به اصول اقتصاد اسلامی است که طیف‌های مرفه و محقر را از نظر اقتصادی پدیدار ساخته است. بدون شک نباید با چشم‌پوشی از مباحث اقتصادی و تلاش جدی برای توزیع عادلانه امکانات، به‌جای رفع مشکل، ارزش‌های انسانی را با نگرش فردگرایانه با تازیانة اقتصاد متعارف خط‌کشی کرد. آنچه که در فرایند فرزندآوری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، نوع نگرش والدین به زندگی خانوادگی و فرزندآوری است که خود برخاسته از فرهنگ و آموزه‌هایی است که والدین در طول حیات خود از آن بهره‌مند شده‌اند. در تحلیل‌های بکر، این‌طور وانمود شده است که والدین با معیار هزینه فایده نسبت به‌تمامی مراحل زندگی خود تصمیم‌گیری می‌کنند و هر چه والدین از سطح سواد و دانش بالاتری برخوردار باشند غالباً تعداد فرزندان کم‌تری برای خود دست‌وپا می‌کنند و تلاش می‌کنند تا کیفیت آنان را ارتقا ببخشند؛ بدیهی است این نگاه وی برگرفته از نگاه سرمایه‌داری بوده و پیش‌فرض او آموزه‌های مادی‌گرایانه است ضمن آنکه وی تعریف خاص خود را از کیفیت فرزندان دارد که این مقوله هم زاینده آموخته‌های بینشی اوست؛ این در حالی است که از منظر اسلامی، فرزندان

برای والدین نعمت محسوب می‌شوند و اگر والدین به وظایف خود در قبال آنها عمل کنند و به آنچه که شرع نسبت به تربیت فرزندان توصیه کرده اهتمام ورزند، می‌توانند از ثمره این نعمت‌ها بهره‌مند شوند.

به نظر می‌رسد در تحلیل‌های بکر، به جای توجه به ریشه اصلی بسیاری از مشکلات، بیشتر به نوعی سطحی‌نگری اکتفا شده است؛ برای مثال، وی برای ارتقای کیفی جمعیت و نیز بهبود اوضاع اقتصادی خانواده، کاهش فرزندآوری را توصیه و راه حل می‌داند در حالی که باید برای حل مشکل فقر، از یک سو ثروت اجتماع را افزود و از سوی دیگر از مسیر عدالت اجتماعی این ثروت را برای بهره‌مندی همگان توزیع کرد تا شاهد امکان ایجاد نسلی با کیفیت برای همه طبقات جامعه باشیم و از آسیب‌های جبران‌ناپذیر عواقب انتخاب‌های اجباری که بر اساس تحلیل صرف اقتصادمحور تعیین می‌گردد، در امان باشیم. از طرفی سیاست‌گذاری در جوامع اسلامی باید ترکیبی از مشوق‌های مادی (مانند وام‌های اسلامی و معافیت مالیاتی) و بازسازی گفتمان دینی حول خانواده باشد. به نظر می‌رسد سیاست‌های موفق، سه مؤلفه کلیدی دارند:

۱. همسویی با ارزش‌های اسلامی

۲. مشارکت نهادهای دینی در اجرا

۳. استفاده از ابزارهای تشویقی مادی

اهتمام به این امور علاوه بر حل چالش‌های جمعیتی، به تقویت هویت اسلامی - اجتماعی کمک می‌کند.

## منابع و مآخذ

قرآن کریم.

آقایاری زهیر، توکل؛ فرخی نگارستان، م.؛ لطیفی مجره، س. (۱۳۹۵). فرزندآوری به مثابه مخاطره. مطالعات راهبردی زنان، ۷-۲۳. DOI: 10.22095/jwss.2016.44367.

بکر، گری. (۱۳۸۰). اقتصاد توسعه: سرمایه انسانی و کاهش فقر. مجله اقتصادی، ۲۰-۲۵.

ترکاشوند، م؛ دارابی، س. (۱۳۹۴). تعداد فرزندان در خانواده و اثرگذاری آن بر کسب سرمایه انسانی فرزندان. برنامه‌ریزی رفاه، (23)، ۱۵۳-۱۷۸. DOI: 10.22054/qjss.2015.1749.

جلالی، ف. (۱۳۹۴). اقتصاد خانگی؛ مفهوم‌شناسی، چالش‌ها و دستاوردها. <http://mehrkhane.com>.

حسینی، ح؛ بگی، ب. (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار. علوم پزشکی کرمانشاه، (74)، ۳۵-۴۳.

دادگر، ی. (۱۳۸۵). پیش‌درآمدی بر سنتز حقوق و اقتصاد. تحقیقات حقوقی، (43)، ۱۶۳-۲۰۶. DOI: 10.30513/cjd.2024.5926.1947.

- رحیمی سجاسی، م.؛ شاکری گلپایگانی، ط.؛ کلانتری، ع. (۱۳۹۸). نقدی بر رویکرد اقتصادمحور قوانین خانواده. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، ۲۷-۵۵-10.22095/jwss.2020.12345. DOI: 10.22095/jwss.2020.12345.55-27.
- شریف‌زاده، م.؛ نادران، ا. (۱۳۸۹). ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای و افق‌های نوین در مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام - قضیه کوز و هزینه‌های مبادله. مطالعات میان‌رشته‌ای، (7)، ۳۰-۱-10.22059/JCL.2014.36310. DOI: 10.22059/JCL.2014.36310.1-30.
- صدر، سید محمدباقر. (1982). اقتصادنا. بیروت: المجمع العلمي للشهید الصدر.
- طباطبایی، محمدحسین. (1363). المیزان فی تفسیر القرآن (ج. ۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طایی، ح.؛ فرجی دانا، ا. (۱۳۷۹). الگوی تعیین همزمان عرضه نیروی کار و تقاضای کالا در اقتصاد ایران. تحقیقات اقتصادی، (57)، ۶۱-۹۶. DOR: 20.1001.1.00398969.1379.35.2.4.7.96.
- عاملی، محمد بن حسن (حر عاملی). (1374). وسائل الشیعة (ج. ۱۵). قم: مؤسسه آل‌البیت.
- عاملی، محمد بن حسن (حر عاملی). (1409). وسائل الشیعة (ج. ۲۰). قم: مؤسسه آل‌البیت.
- قاسمی. (۱۴۰۱، آذر ۹). [مصاحبه]. همشهری. [yun.ir/qyrtpd](http://yun.ir/qyrtpd).
- قنادان، م. (1391). جوایز نوبل اقتصاد. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- کشاورز حداد، غ. (۱۳۹۱، ۱۸ بهمن). تحلیل «اقتصاد خرد» در تبیین کاهش فرزندآوری. دنیای اقتصاد، (2852)، ۲۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (1407). الکافی (ط. ۴، ج. ۵). تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر. (1403). بحار الأنوار (ط. ۲، ج. ۲، ۱۰۰). بیروت: إحياء التراث.
- مکارم شیرازی، ناصر. (1374). تفسیر نمونه (ج. ۱۴). قم: دارالکتب الإسلامية.
- موسوی، س. ف.؛ قافله باشی، م. س. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان. مطالعات زن و خانواده: DOI: 10.22051/jwfs.2017.15931.1479.
- میرمعزی، سید حسین. (1395). مبانی اقتصاد اسلامی: رویکردی تطبیقی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی، محمدباقر. (2005). مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نوروزی، م. (1397). نه فقط به خاطر پول. قم: موسسه امام خمینی(ره).
- Albertini, M., & Kohli, M. (2013). The generational contract in the family: An analysis of transfer regimes in Europe. *European Sociological Review*, 29(4), 828-840. <https://doi.org/10.1093/esr/jcs061>.
- Al-Maktoum, S. (2020). *UAE population policies: Incentives and outcomes*. Dubai Government Publications.
- Becker, G. S. (1962). Irrational behavior and economic theory. *Journal of Political Economy*, 70(1), 1-18.
- Becker, G. S. (1973). A theory of marriage: Part I. *Journal of Political Economy*, 81(4), 813-846.
- Bloom, D. E., Canning, D., & Fink, G. (2020). Population aging and economic growth. *Harvard T.H. Chan School of Public Health*.
- Cherlin, A. J. (2010). Demographic trends in the United States: A review of research in the 2000s. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 403-419. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00710.x>
- Destatis. (2020). *Childlessness in Germany*. Federal Statistical Office. <https://www.destatis.de>

Drè ze, J., & Murthi, M. (2021). Fertility, education, and development: Evidence from India. *Population and Development Review*, 47(1), 87-120.

European Commission. (2021). *The 2021 ageing report: Economic and budgetary projections for the EU member states (2019-2070)*. <https://ec.europa.eu>

Eurostat. (2023). *Fertility statistics*. <https://ec.europa.eu/eurostat>

Heckman, J. J. (2015). Gary Becker's economic model of science.

Lee, R., & Mason, A. (2011). *Population aging and the generational economy: A global perspective*. Edward Elgar Publishing.

Lesthaeghe, R. (2014). The second demographic transition: A concise overview of its development. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 111(51), 18112-18115. <https://doi.org/10.1073/pnas.1420441111>

National Health Commission of China. (2021). *Three-child policy implementation guidelines*. Beijing: NHC Press.

OECD. (2021). *Pensions at a glance 2021: OECD and G20 indicators*. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/ca401ebd-en>

United Nations. (2022). *World population prospects 2022*. Department of Economic and Social Affairs. <https://population.un.org/wpp>

Yip, W., & Zhang, L. (2023). Urban middle-class resistance to China's three-child policy. *The Lancet Public Health*, 8(2), e120-e127.

پیشینہ  
مکتبہ  
انوار  
اسلامیہ